

معرفی نسخه‌ی خطی دیوان حافظ در کتابخانه‌ی ندوه العلماء، کلهنو (هند)

دکتر نکته فاطمه

استادیار گروه فارسی، دانشکده‌ی دالی گنج هندوستان

چکیده

هند بدون شک در پیشرفت و ترویج زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی دارد و گنجینه‌های گرانبهای این ادب، به شکل نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های هند نگهداری می‌شوند. کتابخانه‌ی مدرسه‌ی ندوه العلماء یکی از آن کتابخانه‌ها است که هزارها نسخه‌ی خطی و چاپی دارد. در این مقاله، یکی از نسخه‌های خطی دیوان حافظ معرفی شده است که در این کتابخانه موجود است.

معرفی نسخه‌ی خطی دیوان حافظ در کتابخانه‌ی ندوه العلماء، کلهنو (هند)

تاریخ هند نشان می‌دهد که پادشاهان و فرمانروایان هند از همان آغاز، در ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی بسیار زحمت کشیدند و در سرپرستی ایشان، شاعران، نویسندگان، علما و

فضلاً، هزارها اثر در زمینه‌های مختلف علوم و فنون به یادگار گذاشته‌اند. این آثار مهم ادبی، به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های معروف هند، کتابخانه‌های شخصی و موزه‌های ملی نگهداری می‌شوند.

مدرسه‌ای به نام ندوه‌العلما در شهر کلهنو در ایالت اتراچر دیش، یکی از بزرگ‌ترین مدارس علمی و دینی به شمار می‌رود. در کتابخانه‌ی ندوه، هزارها نسخه‌ی خطی و چاپی عربی، فارسی و اردو نگهداری می‌شوند. نسخه‌های خطی این کتابخانه، بسیار با ارزش هستند. در این مقاله، سعی بر این است که نسخه‌ی خطی دیوان حافظ شیرازی را که در این کتابخانه موجود است، معرفی شود.

این نسخه که مشتمل بر ۱۹۰ ورق است، به خط نستعلیق خوب، به وسیله‌ی شاه محمد در سال هزار و شش هجری کتابت شده است. صفحه‌ی اول مطلا است و بر سر ورق این نسخه نوشته است «مالک این دیوان، حافظ شیراز صاحب عنایت علی و از محمد صادق علی صاحب مرحوم مغفور» - نسخه دارای پانصد و چهل و سه غزل، یک ساقی‌نامه، یک مثنوی، سی و نه قطعه و چهل و پنج رباعی است. در این نسخه، غزل‌ها ردیف وار آمده است؛ یعنی از «الف» تا «یا»، قبل از آغاز غزل‌ها «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده است. بعد از این، نخستین غزل شروع می‌شود که مطلعش این است:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها

دو صفحه‌ی اول، ۹ سطر و صفحات بعدی به‌طور معمول، ۱۴ سطر هستند. هر دو مصرع شعر، در یک سطر نوشته شده است؛ اما گاهی هر دو مصرع مقطع، در دو سطر نوشته شده که از این نشانه می‌توانیم به خوبی دریابیم که غزل تمام شده است و غزل دیگری آغاز می‌شود.

غزل

مطلع غزل‌هایی که در این نسخه وجود دارد و در چاپ‌های نذیری، قزوینی، خلخالی دیده نمی‌شود، به شرح زیر است:

حرف الف: ۱۵ غزل دارد. غزل‌های زیر از این نسخه، در چاپ‌های نذیری، قزوینی و خلخالی

دیده نمی‌شود:

ما برفتیم تو دانی و دل غم خور ما

تا جمالت عاشقان را زد بوصل خود صلا

شب از مطرب که دل خوش باد وی را

حرف ب: ۱ غزل دارد. چهار غزل زیر از این نسخه، در نسخه‌های دیگر موجود نیستند:

ز باغ وصل تو یابد ریاض رضوان آب

صبح دولت می‌دمد که جام هم چون احباب

تعالی الله چه دولت دارم امشب

آفتاب از روی او شد در حجاب

حرف ت: ۸۰ غزل دارد و غزل‌های زیر از این نسخه، در نسخه‌های معتبر دیگر نیستند:

هر آن خجسته نظر کز پی سعادت رفت

غمش تا در دلم ما وا گرفتست

حرف ث: دو غزل دارد و این یک غزل، در چاپ‌های دیگر موجود نیست:

بازم هوای آن گل رعناست الغیث

حرف ج: نسخه فقط یک غزل دارد که در قزوینی است.

حرف ح: نسخه دو غزل دارد و در نسخه‌ی قزوینی فقط یک غزل است و این غزل در

نسخه‌ی قزوینی نیست:

به بین هلال محرم بخواه ساغر را ح

حرف خ: فقط یک غزل دارد که در نسخه‌ی قزوینی وجود دارد.

حرف د: ۱۶۲ غزل دارد. غزل‌های زیر از این نسخه، در نسخه‌ی قزوینی و خلخالی نیستند:

دل شوق لب‌ت مدام دارد

آن را که جام صافی صهباش می‌دهند

هوس باد بهارم بسر صحرا برد (این غزل در نسخه‌ی شاهان فعلیه آمده است)

ترک من چون جعد مشکین گرد کاکل بشکنند

بازم مه رخسار کسی در نظر آمد

برید باد صبا دوشم آگهی آورد

کارم زد و؟ چرخ بسامان نمی‌رسد

چو رویت مهر و مه تابان نباشد

دلم بی‌جمالش صفائی ندارد

داد گرا ترا فلک جرعه کش پیاله باد (این غزل در نسخه‌ی نذیری و نسخه‌ی شاهان فعلیه

وجود دارد؛ اما در نسخه‌ی قزوینی در قطعات نوشته است.)

در هر هوا که جز برق اندر طلب نباشد (این غزل، در نسخه‌ی خلخالی وجود دارد)

سر سودای تو اندر سر می‌گردد.

عشق ز سرسریست که از سر بدر شود

گفتم که خطا کردی و تدبیر نه این بود

گر زلف پریشانست در دست صبا افتد

هر که او یک سر مو پند مرا گوش کند

حرف ر: پانزده غزل دارد. این دو غزل، در چاپ‌های قزوینی و خلخالی نیست.

ساقیا ساغر شراب بیار (در نسخه‌ی نذیری و نسخه‌ی شاهان فعلیه) مصرع این است:

«ساقیا مایه شراب بیار»

سرو بالا بلند خوش رفتار

حرف س: ۹ غزل دارد.

جانا ترا که گفت که احوال ما مپرس (این غزل، در نسخه‌ی قزوینی و خلخالی نیست؛ اما در

نسخه‌ی نذیری وجود دارد)

حرف ش: ۲۱ غزل دارد. این یک غزل، در چاپ‌های دیگر نیست:

من خرابم زغم یار خراباتی خویش

حرف ص: فقط یک غزل دارد و این غزل، علاوه بر نسخه‌ی شاهان فعلیه، در چاپ‌های

نسخه‌های دیگر موجود نیست:

نیست کس راز کمند سر زلف تو خلاص

حرف ض: یک غزل دارد. این غزل، در چاپ‌های دیگر موجود نیست:

بیا که می‌شنوم بوی جان از ان عارض

حرف ط: یک غزل دارد. این غزل، در نسخه‌های نذیری و خلخالی نیامده است:

گرد عذار یار من تا بنوشت دور خط

حرف ظ: فقط یک غزل دارد و در نسخه‌های نذیری و قزوینی و خلخالی موجود نیست.

ز چشم بد رخ خواب ترا خداحافظ

حرف ع: سه غزل دارد که در نسخه‌ی قزوینی وجود دارد.

حرف غ: فقط یک غزل دارد.

حرف ف: یک غزل دارد.

حرف ق: سه غزل دارد و این یک غزل، در نسخه‌ی شاهان فعلیه وجود دارد و در نسخه‌های

چاپی دیگر نیست:

کسی مباد چو من خسته مبتلای فراق

حرف ک: ۳ غزل دارد که در نسخه‌ی قزوینی موجود است.

حرف ل: ۹ غزل دارد. این دو غزل که در نسخه‌ی شاهان فعلیه هستند؛ اما در نسخه‌های چاپی

دیگر نیامده‌اند:

بسحر چشم تو ای لعبت خجسته مثال

ره روانرا عشق بس باشد دلیل

حرف م: ۷۵ غزل دارد و این غزل‌ها در چاپ‌های دیگر وجود ندارند:

الم یال الاحباب ان یترحم

اگر برخیزد از دستم که با دلدار نشینم (این غزل، در نسخه‌ی نذیری و شاهان فعلیه آمده است)
 گرچه از آتش دل چون خم می در جوشم (این غزل، در نسخه‌ی نذیری و شاهان فعلیه آمده است)
 روز عید است و من امروز در آن تدبیرم (این غزل، در نسخه‌ی شاهان فعلیه وجود دارد؛ ولی
 در چاپ‌های دیگر نیامده است)

ما پیش خاک پای تو صد دو نهاده‌ایم (این غزل، در نسخه‌ی قزوینی نیست؛ ولی در چاپ‌های
 دیگر وجود دارد)

گو فرصتی که خدمت پیر مغان کنم

حرف ن: ۲۳ غزل دارد. این دو غزل، در چاپ‌های دیگر نیستند:

ای شام بکوی ما گذر کن

رایت سلطان گل پیدا شد از طرف چمن (این غزل در نسخه‌ی نذیری و شاهان فعلیه است؛

اما در نسخه‌ی قزوینی و خلخال‌ی وجود ندارد)

حرف و: ۱۱ غزل دارد.

حرف ه: ۱۹ غزل دارد و این دو غزل، در چاپ‌های دیگر وجود ندارند.

ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده (این غزل، در نسخه‌ی شاهان فعلیه است)

نصیب من چو خرابات کرده است آله

حرف می: ۷۳ غزل دارد و این غزل‌ها، در نسخه‌ی ندوه وجود دارند؛ اما در نسخه‌های چاپی

دیگر موجود نیستند:

ای دل بکوی دوست گذاری نمی کنی (در نسخه‌ی شاهان فعلیه و نذیری به جای «دوست»

«عشق» نوشته شده است).

ای باد نسیم یار داری

ای ز شرم عارضت گل عرق خوی (این غزل، در نسخه‌ی نذیری و شاهان فعلیه وجود دارد)

این خوش رقم که بر خط رخسار می کشی

ای کاج قضا نامه عمرم نوشتی

بیار باده و بازم دهان ز رنجوری
بفراغ دل زمانی نظری به ماه روی
جان فدای تو که هم جانی و هم جانانی
خوشر از کوی خرابات نباشد جایی
زدلیری شو آن دم زدن به آسانی
سلامی چون بوی خوش آشنایی (این غزل، در نسخه‌ی نذیری وجود دارد؛ اما در نسخه‌ی
قزوینی و خلخال‌ی نیامده است.)
ساقی گرت هوای ماهی (این غزل، در نسخه‌ی نذیری آمده است.)

مثنوی

مثنوی‌های این نسخه، بدون عنوان‌اند. اولین مثنوی، ساقی‌نامه است که نخستین شعر: بده
ساقی آن کیمیای فتوح / که با گنج قارون دهد عمر نوح
است. این مثنوی دارای ۵۸ بیت است. بعد از این، مثنوی دیگر که نخستین بیت آن، این است:
الای آهوی وحشی کجائی / مرا با تست چندین آشنایی
این مثنوی، دارای ۲ بیت است. سه مثنوی دیگر هستند که یکی دارای سه بیت، و بقیه دو، و
چهار بیت دارند که این مثنوی‌ها در نسخه‌ی قزوینی وجود ندارند.

قطعه

در این نسخه ۳۳ قطعه موجود است - نسخه‌ی چاپی قزوینی، دارای ۳۳ قطعه و نسخه‌ی نذیری
دارای ۱۲ قطعه است. قطعاتی که در این نسخه وجود دارند و در چاپ قزوینی نیستند، مطلع آن‌ها
بدین قرار است:

هر کس که توبه کرد به وقت گل از شراب
فساد چرخ نه بینم و نشنوم هنوز

دل مبند ای مرد بخرد بر صفای عمر وزید
آن کیست تا بحضرت سلطان ادا کند
حسن این نظم از بیان مستغنی است (این قطعه، در نسخه‌ی نذیری وجود دارد.)
صبح جمعه و سادس ربیع الاول بود
ای باد صبا اگر توانی
نور خدا نمایندت آینه مجردی
شاهها مبشری تو بهشتم رسیده است
ایام بهار است و گل لاله و نسرين
دریغا خلعت و حسن جوانی
قطعاتی که در چاپ قزوینی هستند و در این نسخه وجود ندارند، مطلع آن‌ها بدین قرار است:
قوت شاعره من سحر از فرط ملال
داد گرا ترا فلک جرعه کش پیاله باد (این قطعه در نسخه‌ی ندوه، از حیث غزل در ردیف
«دال» وجود دارد که دارای ۴ بیت است و در نسخه‌ی قزوینی، شش بیت دارد.
خسروا گوی فلک در خم چوگان تو شد
بسمه خواجه رسان ای ندیم وقت شناس
شمه از داستان عشق شورانگیز ماست
بر سر بازار جانبازان منادی می‌زنند
مجردین سرور و سلطان قضات اسمعیل
درین ظلمت سرا تا کی بیوی دوست بنشینیم
بروز شنبه سادس زماه ذی‌الحجه

رباعی

در آخر این نسخه، رباعیات قرار دارند که تعداد آن‌ها چهل و پنج است؛ اما در نسخه‌ی چاپی

قزوینی چهل و دو و در نسخه‌ی نذیری، بیست رباعی دارد.
رباعیاتی که در این نسخه وجود دارند و در چاپ قزوینی نیستند، مصرع آن‌ها بدین قرار است:

با دوست نشین و باده جام طلب
باز آی که جانم بجمالت نگران است
شمعا سر پروانه نداری رسدت
در صحبت آن کس که صاحب هنر است
ای روی تو در لطافت آئینه روح
از باده دیرینه درمان بیرورد
برد از دل از مادر دهر ای فرزند
تا حکم قضای آسمانی باشد
مقبول دل خواص و مشهود عوام است
ای دوست ترا دست که دارد جز من
با آنکه فریبم به صد حيله و من
در شوخی و دلبری بت من طاقت
بنگر بچمن جمال فرخنده و گل

رباعیاتی که در چاپ قزوینی هستند و در این نسخه وجود ندارند، مصرع آن‌ها به قرار زیر است:

تو بدری و خورشید ترا بنده شدست
هر روز دلم بزیر باری دگر است (این رباعی، در نسخه‌ی نذیری آمده است)
چون غنچه گل قرابه پرواز شود. (این رباعی، در نسخه‌ی نذیری وجود دارد)
با می به کنار جوی می باید بود
این گل زبر همنفسی می آید

در باغ چو شد باد صبا دایه گل
لب باز مگیر یک زمان از لب جام
در آرزوی بوس و کنارت مردم
عمری ز پی مراد ضایع دارم
ای شرم زده غنچه مستور از تو
آن جام طرب شکار بر دستم نه
با شاهد شوخ و شنگ و با بر بط و نی

قصیده

این سه قصیده، در میان غزلیات نوشته شده است:

سپیده دم که صبا بوی بوستان گیرد

جوزا سحر نهاد حمائل برابرم

شد عرصه زمین چو بساط ارم جوان

علاوه بر این، میان این نسخه و نسخ دیگر تفاوت زیادی دیده می‌شود. در بعضی غزلیات این نسخه، بیت‌های اضافی دارند که این ابیات در نسخ چاپی دیگر وجود ندارند. برای مثال در این نسخه، غزل «دوش از مسجد سوی بیخانه آمد پیر ما» (ورق ۵) دارای ۱۰ بیت است و چاپ‌های دیگر ۷ بیت دارد و بیت‌های اضافی بدین قرار هستند:

باد بر زلف تو آمد شد جهان بر من سیاه نیست از سودای زلفت پیش ازین توفیر ما

مرغ دل را صید جمعیت بدام افتاده بود زلف بگشادی و باز از دست شد نخجیر ما

بر در میخانه خواهم گشت چون حافظ نعیم چون خراباتی شد ای یار طریقت پیر ما

بیت سوم این غزل در این نسخه چنین است:

تیر آه ما ز گردون بگذر جان عزیز رحم کن بر جان خو پرهیز کن از تیر ما

در نسخه‌های چاپی معتبر دیگر به این صورت آمده است:

تیره آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

هم‌چنین غزل «در می‌رود زدستم صاحب‌دلان خدا را» (ورق ۴) دارای ۱۳ بیت است و چاپ‌های دیگر ۱۳ بیت دارد و این یک بیت اضافی است:

گر مطرب حریفان این پارسی بخواند در رقص و حالت آرد پیران پارسا را

در این نسخه غزل «روزگاریست که سودای بتان دین منست» (ورق ۱۱) ۱۰ بیت دارد و نسخه‌های چاپی دیگر ۸ بیت هستند و این ابیات در این نسخه اضافی‌اند:

رسم عاشق کشی و شیوه شهر آشوبی کار آن شوخ سیه چرده شیرین منست

از که دریا گری آموخت خیال تو مگر راهنمایش شده این اشک چو پروین منست

هم‌چنین غزل «دارم امید عاطفتی از جناب دوست» (ورق ۹) ۱۰ بیت دارد و این دو ابیات در چاپ‌های دیگر وجود ندارند:

واله و شیدا است دائم همچو بلبل در قفس ”طوطی طبعم“ ز عشق شکر و بادام دوست

سرها چو گوی در سر کوی تو باختیم واقف نشد کسی که چه گویست و این چه کویست

(این شعر در نسخه‌ی چاپی نذیری وجود دارد)

در این نسخه‌ی خطی غزل «جز آستان توأم در جهان پناهی نیست» (ورق ۲۹) ۱ بیت دارد و در چاپ‌های دیگر این ابیات نیامده‌اند:

چه هش‌گیری راهش کنم چه چاره برم دل گسسته عنان را که رو براهی نیست

عقابِ جور کشاده است بال در همه شهر گمان گوشه‌نشینی و تیر آهی نیست

غزل «واعظان کین جلوه در محراب و منبر می کنند» (ورق ۳۹) دارای ۱۰ بیت است. در نسخه‌ی نذیری این غزل نیامده است و چاپ قزوینی و خلخالی ۸ بیت دارند که این دو ابیات در نسخه‌ی خطی اضافی اند:

بنده پیر خراباتم که درویشان او گنج را آز بی نیازی خاک بر سر می کنند
خانه خالی کن دلا تا منزل سلطان شوی کین هوسناکان دل و جان و جامی دیگر می کنند

هم‌چنین در این نسخه‌ی غزل «بوی خوش تو هر که زیاد صبا شنید» (ورق ۵۷) ۱۴ بیت دارد. و این ابیات اضافی در چاپ‌های دیگر نیستند:

هر صبح ماجرای من و دل شمال داد هر شام گفت و گوی من او صبا شنید
نشنید هر چه گفتم و بگذشت این عجب سلطان شنیده‌ام که حدیث گدا شنید

غزل «خوش آمد گل وزان خوشتر نباشد» (ورق ۷۶) دو بیت اضافی دارد:

بنام ایزد بتی شیرین لبم بست که در بتخانه آذر نباشد
عجب راهیست راه عشق کانجا کسی سر بر کند کش سر نباشد

همین طور غزل «نصیحتی کنت بشنود بهانه مگیر» (ورق ۹۰) این دو بیت اضافی دارد:

گرم چو عود بر آتش نهیه و نگذاری که نقش خال نگارم نمی رود ضمیر
چه جامی گفته خواجه و شعر مسلمان نیست که شعر حافظ ما به شعر خواب ظهیر

غزل «به عزم تو به سحر گفتم استخاره کنم» (ورق ۱۱۳) ۱۲ بیت دارد که چاپ‌های دیگر ۹ بیت دارد و این سه بیت اضافی هستند:

نه قاضی‌ام نه مشایخ نه محتسب نه فقیه مرا چه فرض که منع شراب خواره کنم
اگر گپی بزخم حدیث توبه رود ز بی طهارتی آن را بمی غراره کنم

مرا که با تو تمنا است سازد برگ معاش همان به است که میخانه را اجاره کنم
غزل «روزگاری شد که در میخانه خدمت می‌کنم» (ورق ۱۷۳) دارای این سه بیت اضافی
است:

این غزل در نسخه‌ی چاپی نذیری نیامده است:

لباش بعد کز حساب رو زحشرم باک نیست فال فردا می‌زنم امروز عشرت می‌کنم
از یمین عرش آمین می‌کند روح‌الامین چون دعای پادشاه ملک و ملت می‌کنم
خسرو امید اوج جاده دارم ازین قبل التماس آستان بوسی حضرت می‌کنم

غزل «من آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم» (ورق ۱۳۰) دو بیت اضافی دارد:

وقت گل گوئی شنو زاهد بچشم و جان ودل می‌روم تا مشورت با شاهد و ساغر کنم
دوش می‌گفتند لعلش قند می‌بخشد ولی تانه بینم در دهان خود کجا باور کنم

علاوه بر این، غزل‌های دیگر، ابیات اضافی دارند که در نسخه‌های معتبر چاپی وجود ندارند.
در این نسخه، بعضی جاها آشکار می‌شود که کاتب نسخه در کتابت اشتباه کرده است. برای مثال
این مصرع در غزل «رایت سلطان گل پیدا شد از طرف چمن» واژه‌ی رایت در نسخه‌های چاپی
دیگر به صورت واژه‌ی «افسر» آمده است.

همین‌طور این بیت «بیا که در تن مرده روان در آید باز. در آنکه دل در خسته روان در آید باز»
در نسخ چاپی دیگر این چنین آمده است:

در آکه در دل خسته توان در آید باز ^{پایل جامع علوم انسانی} بیا که در تن مرده روان در آید باز

هم‌چنین ترتیب مصراع‌های رباعی هم از نسخه‌های چاپی تفاوت دارد. برای مثال:

در این نسخه، بیت رباعی

چون جامه زتن برکشد آن مسکین خال ماهی که نظیر خود ندار بجمال

است و در نسخه‌های چاپی ترتیب مصرع‌ها عوض شده است:

ماهی که نظیر خود ندارد بجمال است چون جامه زتن برکشد آن مسکین خال

در بعضی قسمت‌ها کاتب در حاشیه‌ی غزلیات، ابیات اضافی نوشته است. برای مثال:
در حاشیه‌ی غزل «روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست» (ورق ۱۹ب) این شش ابیات نوشته است که غزل کامل است و در نسخه‌ی قزوینی و خلخالی و استاد نذیری نیست:

مدتی شد که آتش سودای او در جان ماست	زین فضل بین که دائم در دل ویران ماست
مردم چشمم بخوناب جگر غرقند زان	چشمه مهر رخس اندر دل حیران ماست
آب حیوان قطره از لعل همچون شکرش	نور حور عکسی زروی آن مه تابان ماست
تا نفخت فیه من روحی شنیدم شد یقین	بر من این معنی ما زان ویم وی زان ماست
هر فرد را اطلاعی نیست بر اسرار غیب	محرم این سر معنی دار علوی جان ماست
چند گویی ای مذکر شرح دین خاموش باش	دین مادر هر دو عالم صحبت جانان ماست

در حاشیه‌ی غزل «المنه لله که در می‌کده بازست» (ورق ۲۴ب) این مصرع نوشته است:
رخساره محمود و کف پای ایاز است.

سر حاشیه‌ی ورق ۳۴ب این غزل کامل که دارای ۱۱ شعر است، نوشته است. این غزل در چاپ‌های دیگر نیست.

الغیاث ای مایه جان الغیاث	کفر زلفت برد ایمان الغیاث
ما همی لیسیم لب از تشنگی	در لبانت آب حیوان الغیاث
وه کجا شد شربت دیدار تو	می‌کشد تلخی هجران الغیاث
باز گریه غرق در خون گشته‌ایم	لعل تو پیوسته خندان الغیاث

غمزه شوخ تو از راه اجل می‌زند دزدیده پیکان الغیاث
از خدنگ و ناوک مژگان تو زخمها افتاده در جان الغیاث
چون دو زلفت کرد سرگردان مرا گردش گردون گردان الغیاث
همچو گوی از زخم چوگان فلک هر طرف گشتیم غلطان الغیاث
پیچش زلف تو در جانم افتاد رشته تن گشت پیچان الغیاث
چشم بیمار مرا بیمار کرد جز لبانت نیست درمای الغیاث
با طناب زلف حافظ را بکش مانده در چاه زنخدان الغیاث

در میان حاشیه‌ی غزل «واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند. (ورق ۳۷ب) مصرعی نوشته است» ای گدای خانقه باز آ در دیر مغان»

در میان حاشیه‌ی غزل «زهی خجسته زمانی که یار باز آید» (ورق ۵۶ب) این مصرع نوشته است: «بدان هوس که در این ره گذر باز آید»

بر حاشیه‌ی غزل «گفتند خلایق که تو یوسف ثانی» (ورق ۱۷۲ب) دو بیت نوشته شده است:

گر سرو بماند قد و رفتار تو بر پای بخرام که از سرو گذشتی بروانی
از پیش همراه حافظ غمدیده خود را کز عشق رخت داد دل و دین و جوانی

در پایان می‌توان گفت که این نسخه‌ی خطی دیوان حافظ که در کتابخانه‌ی ندوه کلهنو نگهداری می‌شود، از لحاظ تعداد غزل، مثنوی، قطعات و رباعیات با چاپ‌های دیگر دیوان حافظ تفاوت دارد و هر نوع سخن در این نسخه، بیش‌تر از دیگر چاپ‌های معتبر چاپ شده است.

منابع و مأخذ

۱. دیوان حافظ براساس نسخه مورخ ۸۱۸ ه.ق، ترتیب و تنظیم پروفیش نذیر احمد، مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۹۸۸ م
۲. دیوان خواجه حافظ شیرازی که از روی نسخه‌ی خطی مورخ ۸۲۷ ه نقل شده است، به اهتمام سید عبدالرحیم خلخالی، تهران، ۱۳۵۶ ه
۳. دیوان حافظ (۱۳۲۰)، مصحح علامه قزوینی و قاسم غنی، تهران.
۴. دیوان حافظ نسخه‌ی شاهان فعلیه، خدابخش اورنیتل پبلک لامبریری، پتنه، ۱۹۹۲ م.

